



The Necessity of Developing a Differentiated Criminal Policy in Political Crimes; Challenges and Solutions

Seyyed Sajjad Kazemi

Associate Professor, Department of Law, Faculty
of Literature and Humanities, Malayer
University, Malayer, Iran.

Ali Sadeghi

Assistant Professor and Faculty Member,
University of Religions and Sects, Iran.

Akbar Sadeq Lou*

Judge and student of criminal law and
criminology at the Al-Mustafa Al-Alamiyah
University of Qom, Iran.

Abstract

The present study, with an analytical-critical approach, examines the necessity and dimensions of developing a "differentiation" between political crimes and other crimes in Iran. Despite the enactment of the Political Crimes Law in 2016, significant shortcomings and inadequacies are still observed in the areas of identifying instances, the trial process, determining punishment, and protecting the rights of the accused, which has challenged the realization of criminal justice in this field. The findings of the article show that the effective realization of a differentiated criminal policy requires a serious review of substantive and formal laws, clarification of the political and security boundary, strengthening the role of the jury, and ensuring that political defendants enjoy special and exclusive rights. Finally, solutions based on limiting the scope of political crimes, increasing the transparency of the investigation process, strengthening the position of the jury, and practical distinction in punishment and trial have been proposed for the development of differential criminal policy, so that differential criminal policy can be implemented efficiently in the Iranian criminal system.

Keywords: rights of the accused, political crime, differential criminal policy, investigation

Received: 23/December/2026

Accepted: 19/February/2026

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

ضرورت توسعه سیاست کیفری افتراقی در جرائم سیاسی؛ چالش‌ها و راهکارها

سید سجاد کاظمی

دانشیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران.

علی صادقی

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب.

اکبر صادق‌لو*

قاضی دادگستری و دانشجوی رشته حقوق جزای و جرم‌شناسی جامعه المصطفی
العالمیه قم.

چکیده

پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی-انتقادی به بررسی ضرورت و ابعاد توسعه «افتراق» میان جرائم سیاسی و سایر جرائم در ایران می‌پردازد. با وجود تصویب قانون جرم سیاسی در سال ۱۳۹۵، همچنان کاستی‌ها و نارسایی‌های قابل توجهی در حوزه شناسایی مصادیق، فرآیند دادرسی، تعیین مجازات و حمایت از حقوق متهمان مشاهده می‌شود که تحقق عدالت کیفری در این زمینه را با چالش روبه‌رو کرده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که تحقق مؤثر سیاست کیفری افتراقی نیازمند بازنگری جدی در قوانین ماهوی و شکلی، شفاف‌سازی مرز سیاسی و امنیتی و تقویت نقش هیئت منصفه و تضمین برخورداری متهمان سیاسی از حقوق ویژه و اختصاصی است. در پایان راهکارهایی مبتنی بر تحدید قلمروی جرائم سیاسی، افزایش شفافیت فرآیند رسیدگی، تقویت جایگاه هیئت منصفه و تمایز عملی در مجازات و دادرسی را برای توسعه سیاست کیفری افتراقی، پیشنهاد شده است تا سیاست کیفری افتراقی به شکل کارآمد در نظام کیفری ایران اجرا گردد.

کلیدواژه‌ها: حقوق متهم، جرم سیاسی، سیاست کیفری افتراقی، رسیدگی

مقدمه

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ شاهد نوآوری و توسعه نهادهای ارفاقی نسبت به قوانین آیین دادرسی کیفری سابق هستیم به گونه‌ای که می‌توان گفت؛ قانون حاکم فعلی، دچار تحول شده است. قانون‌گذار ایران در سال‌های اخیر در تلاش برای ارتقای حقوق دفاعی متهمان و حمایت‌های لازم از بزه دیدگان اقداماتی را به انجام رسانیده است. اصلاحات گسترده در مقررات شکلی کیفری باهدف حمایت شایسته و سنجیده از حقوق و آزادی‌های شهروندان در تمام مراحل تحقیقات مقدماتی و دادرسی و تثبیت جایگاه و مفهوم دادرسی منصفانه و عادلانه که ذیل آن تضمین‌های مهمی نظیر؛ لزوم دادگاه‌های مستقل و بی‌طرف، تساوی افراد در دادرسی، علنی بودن، رسیدگی در یک مدت معقول (اصل سرعت در رسیدگی) و ضرورت رعایت تضمین‌های گوناگون شکلی و ماهوی در ارتباط با حقوق متهمان و مجرمان صورت می‌گیرد. سرعت و وسعت توسعه قضایی، نظام‌های کیفری مدرن را به جایی رسانده که اساساً ارفاق‌های خاص به متهمان و مجرمان خاص از کارکرد افتاده است. چراکه عموم متهمان کیفری از تضمین‌های دفاعی و دادرسی به نحو گسترده بهره‌مند هستند؛ و ضرورت دارد تا متهمان دارای وصف سیاسی به طریق اولی و ویژه از این تضمین‌ها برخوردار باشند؛ به عبارت دیگر فلسفه اصلی تفکیک و تمیز جرم و مجرم سیاسی از غیرسیاسی، اعطای تضمین‌های و ارفاق‌های ویژه در تمام مراحل دادرسی به متهمان و محکومان سیاسی است. امروزه چنین ادعا می‌شود، هرکس تحت تعقیب و محاکمه قرار گیرد، صرف نظر از موضوع و نوع اتهام، در همه مراحل تعقیب و محاکمه و مجازات و نیز پس از تعیین یا اعمال مجازات از حقوق و مزایای ارفاقی قانونی بهره‌مند است و بدین‌سان؛ نیازی به پیش‌بینی امتیازات خاص برای متهمان و مجرمین سیاسی در این گونه نظام‌ها احساس نمی‌شود. و حال آنکه «توسعه سیاست کیفری افتراقی جرائم سیاسی»، گامی مهم در جهت حمایت از حقوق اساسی شهروندان، کمک به حفظ حقوق بنیادین و آزادی‌های اساسی، تقویت مشروعیت نظام سیاسی، توسعه عدالت اجتماعی، کاهش خشونت، تضمین دادرسی عادلانه، تطبیق با استانداردهای بین‌المللی و تقویت وحدت ملی است. توجه به اهداف و داعی خیرخواهانه و اصلاح طلبانه مرتکبان جرائم سیاسی، شرایط ارتکاب آن، اقتضای رفتارهای ارتكابی، نیازمند توجه و اعمال سیاست ارفاقی تقنینی و قضایی ویژه می‌باشد که هدف آن تأمین نظارت و حمایت دامنه‌دار از متهمان و مجرمان سیاسی در همه مراحل رسیدگی از تعقیب تا محکومیت و اجرای حکم است. از نقطه نظر حقوقی این مجرمان به دلیل قصد و نیت شرافتمندانه و اصلاح طلبانه خویش، استحقاق تخفیف در نظام عدالت کیفری را دارند. ضمن اینکه رهیافت‌های جرم و کیفر شناسی که بر مبنای توجه به مجرم، علل و شرایط ارتکاب و اهدافی که از جرم‌انگاری و کیفر دنبال می‌کنند، بر این رژیم ارفاقی تأکید دارند. ماهیت متفاوت جرائم سیاسی به دلیل برجسته‌ترین ویژگی آن یعنی غیر خشن بودن، برخورداری از انگیزه شرافتمندانه و هدف متعالی مرتکبین آن در جهت اصلاح وضع موجود جامعه، نظام‌های حقوقی جوامع متعدد و متمدن امروزی را مجاب به اعمال تبعیض مثبت نسبت به مرتکبین این جرائم کرده و تشدید ضمانت اجرای کیفری در حق آن‌ها را مغایر با اصول عدالت کیفری می‌داند. به همین جهت، سیاست کیفری در دهه‌های اخیر شاهد تحولات اساسی بوده و شاخه جدیدی در آن با عنوان «حقوق کیفری خاص» به وجود آمده است که در اصطلاح «سیاست کیفری افتراقی» خوانده می‌شود. منظور از سیاست کیفری افتراقی؛ مجموعه‌ای از برخوردهای قضایی همراه با ملاحظت و تساهل و تسامح است، به نحوی که در مقایسه با مجرمان عادی امتیاز به حساب می‌آید. تصویب قانون جرم سیاسی در سال ۱۳۹۵ که به شیوه رسیدگی به جرائم سیاسی، حقوق متهمان سیاسی و همچنین دادگاه صلاحیت‌دار برای رسیدگی اشاره دارد و متضمن متد خاص و برخی از افتراقات، در رسیدگی به جرائم سیاسی است. ولی با این حال قانون مذکور در رسالت اصلی خود که همان ارائه معیاری مشخص برای تشخیص جرائم سیاسی از جرائم غیرسیاسی است، دچار تشویش و سرگردانی می‌باشد و نیازمند ارائه راهکارهایی

برای رفع این چالش است تا با کمک آن مصادیق بارز و واقعی جرم سیاسی (که مستحق بهره‌مندی از رژیم ارفاقی می‌باشد) مشخص گردد. در این تحقیق که به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مبتنی بر بعد کاربردی نتیجه پژوهش، انجام شده است تا ضمن بررسی قانون جرم سیاسی باهدف ارائه تعریف دقیق و روزآمد از جرائم سیاسی، تبیین مفهوم و مبانی سیاست کیفری افتراقی، شناسایی ویژگی‌های خاص جرائم سیاسی، تبیین چارچوبی برای توسعه سیاست کیفری افتراقی، بررسی تمایز جرائم سیاسی از جرائم عادی، بررسی و رویکردهای غیر کیفری برای جرائم سیاسی کم‌اهمیت‌تر، ارائه پیشنهادهای و راهکارهایی در خصوص اصلاح قوانین و رویه‌های موجود و بهره‌مندی مجرمان سیاسی از تخفیف مجازات (با توجه به انگیزه و هدف مرتکبان و شرایط خاص ارتکاب جرم) و ایجاد یک سیاست کیفری ارفاقی عادلانه و کارآمد در برخورد با جرائم سیاسی در حقوق ایران، گامی در تعالی و رشد حقوق متهمان سیاسی برداشته شود. در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت اگرچه مقالات ارزشمندی با موضوع تمایز جرم سیاسی از جرم امنیتی و چالش‌های تشخیص جرم سیاسی از جرائم عادی و... نگاشته شده است ولی در خصوص توسعه سیاست کیفری افتراقی جرائم سیاسی پژوهش مستقلی صورت نگرفته است و از این نظر، پژوهش حاضر از نوآوری برخوردار است.

۱- مبانی نظری سیاست کیفری افتراقی جرائم سیاسی

۱-۱- مفهوم جرم سیاسی

یکی از مبهم‌ترین مفاهیم حقوق کیفری مفهوم «جرم سیاسی» است که با توجه به اقتضای زمان و مکان و ساختار سیاسی هر کشور تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است. در اغلب کشورها جرم سیاسی تعریف نشده و در بعضی کشورها نیز تنها به ارائه معیارهایی برای تفکیک آن از جرائم عمومی اکتفا شده است. برخی نویسندگان یکی از دلایل مهم این امر را «تعریف ناپذیری جرم سیاسی» می‌دانند (گلدوزیان، ۱۳۹۶). در هر صورت تعداد کمی از کشورها صراحتاً به تبیین قانونی دامنه و قلمرو جرم سیاسی پرداخته‌اند (کازمی و کیانی، ۱۴۰۲). اگرچه گروهی از دولت‌ها صلاح خود را در آن دانسته‌اند که جرم سیاسی همچنان تعریف نشده باقی بماند، مع الوصف تعاریف فراوانی برای آن ارائه شده است (آقایی و همکاران، ۱۳۹۹). مفهوم جرم سیاسی، سیال تابعی از نوع نگرش حکومت و در درون پیوند قدرت و جرم، بازتعریف می‌شود (لری‌نژاد و منصوریان، ۱۴۰۱). نمی‌توان تعریفی جامع‌و‌مانع و همه‌گیر در خصوص جرم سیاسی در قالب علم سیاست و از دیدگاه علوم سیاسی ارائه داد، اما با این حال نمی‌توان این موضوع را کتمان کرد که از نظر تمامی دولت‌ها و حکومت‌ها واژه و جرمی به نام جرم سیاسی موجودیت دارد و این هم به خاطر این قضیه است که حقوق‌دانان و تحصیل‌کردگان در علم حقوق و علوم سیاسی در هر کشوری برای این جرم تعاریفی را برای خود عنوان می‌کنند که اساس آن حقوق ملی کشور متبوع خودشان است و آن را به گونه‌ای تبیین و تعیین می‌کنند که بقای حاکمیت تضمین شود و منافع ملی کشور را حفظ کند (زندیان، ۱۳۹۷).

۱-۲- چالش تعریف جرم سیاسی

جرم سیاسی از جمله جرائمی است که علاوه بر مشکل در ارائه تعریف جامع‌و‌مانع، صرف ارائه تعریف از آن، برای حل مسئله اجرای قواعد کفایت نمی‌کند. به عبارتی حقوق‌دانان نتوانسته‌اند؛ تعریف قابل اتکایی که مبنای قانون‌گذاری در نظام‌های حقوقی شود را ارائه دهند. مشکل تعریف جرم سیاسی به حدی پیچیده است که عده‌ای تعریف جامع‌و‌مانع آن را محال می‌دانند (ساریخانی، ۱۳۸۴). براساس ماده یک قانون جرم سیاسی، جرم سیاسی جرمی است که سه ویژگی داشته باشد. اولاً: یکی از جرائم مذکور در ماده ۲ قانون باشد. ثانیاً: انگیزه ارتکاب آن اصلاح امور کشور باشد. ثالثاً:

قصد ضربه زدن به اصل نظام در میان نباشد (خالقی، ۱۳۹۶). جرم سیاسی به عمل مجرمانه اطلاق می‌شود که هدف آن واژگون کردن نظام سیاسی اجتماعی و برهم زدن نظم و امنیت کشور باشد. به عقیده اکثر اندیشمندان مفهوم جرم سیاسی برگرفته از نظام‌های حقوقی غربی است. از آنجا که انگیزه مجرم سیاسی از ارتکاب فعل مجرمانه منفعت شخصی نبوده، مجرمی قابل احترام تلقی شده و لذا مستحق تخفیف در اعمال مجازات است (مسافر، ۱۳۹۸). قانون‌گذار ایران در ماده یک قانون جرم سیاسی؛ جرم سیاسی را چنین تعریف می‌کند: «هر یک از جرائم مصرح در ماده دو این قانون چنانچه با انگیزه و اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی با سیاست‌های داخلی و خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد، جرم سیاسی محسوب می‌شود». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود عنصر «انگیزه اصلاح» از منظر قانون‌گذار گذار ایران قید موضوع جرم سیاسی دانسته شده است؛ بنابراین می‌توان گفت؛ از نظر قوانین ایران برخی از جرائم عادی اگر با انگیزه اصلاح و بهبود وضعیت کشور انجام شود، مشمول جرم سیاسی خواهند (آقایی و همکاران، ۱۳۹۹). قانون نه تنها تعریف جامعی از جرم سیاسی ارائه نداده است، بلکه ماده دو قانون با شمارش برخی از مصادیق جرم سیاسی در پنج بند، بر ابهامات قانونی افزوده است. زیرا این مصادیق نه جامع (الاطراف) هستند نه مانع (الاجبار). بعلاوه قانون‌گذار با ارائه این مصادیق، تعریف پیش از جرم سیاسی را با جرم سیاسی مصطلح در دنیا و رایج نزد حقوق‌دانان بیگانه ساخته و تعریف جدیدی را ارائه داده است که هرگز مورد نظر حقوق‌دانان و کنشگران سیاسی نبوده است (کرمی و کرامتی معز، ۱۳۹۵). کاستی‌های قانون یاد شده به حدی است که به گفته برخی از نویسندگان حقوق، بی‌تعریفی جرم سیاسی بهتر از تعریفی است که قانون‌گذار ارائه نموده است (شاملو، ۱۳۹۸). بلکه به نظر می‌رسد، مضاف بر تعریف مبهم و چالش‌انگیز، ذکر مصادیق حصری جرم سیاسی در این قانون در کنار استثنائات پیش‌بینی شده، تخصیص اکثر بوده و تعریف مذکور را از درون تهی می‌کند. سنت تقنینی «فرار از تعریف جرم سیاسی» البته مختص مقنن ایرانی نیست و اغلب کشورها از جمله جوامع موسوم به توسعه‌یافته و پیشرفته که نظام سیاسی دموکراسی لیبرال دارند و به لحاظ مبانی تئوریک مدعی مدارای سیاسی و رعایت حقوق مخالفانند، نیز در عمل از تعریف جرم سیاسی طفره می‌روند و در مواجهه با جرائم ماهیتاً سیاسی پاسخ‌های کیفی شدیدی را با توجه به شرایط اضطراری یا عمومی و عادی تلقی کردن جرائم مذکور اعمال کرده‌اند (رحمانی، ۱۳۹۵).

۱-۳- تمایز جرائم سیاسی و امنیتی

جرم سیاسی معمولاً به جرائمی اطلاق می‌شود که علیه ساختار سیاسی کشور و کارگزاران حکومت یا به‌منظور نقد و اصلاح یا تغییر صلح‌آمیز نظام سیاسی انجام گیرد. هدف در این جرائم مقابله با کلیت یا سیاست‌های دولت است، نه اختلال در امنیت عمومی یا مصالح ملی. ولی جرائم امنیتی، جرائمی هستند که هدف آن‌ها آسیب زدن به امنیت ملی، تمامیت ارضی و استقلال کشور یا ایجاد اختلال جدی در نظم و ثبات سیاسی و اقتصادی کشور است. این جرائم معمولاً با قصد براندازی، جاسوسی، ترور، اقدام مسلحانه و آشوب همراه‌اند. عناصر مهم و متمایز این دو جرم عبارت است از؛ نیت مجرم، روش اجرای، میزان خطر و خسارت می‌باشد. یکی از مسائل اساسی در حقوق جزا تمایز میان جرائم سیاسی و جرائم علیه امنیت است. هرچند هر دو واجد تلقی و الحاق به جرم سیاسی هستند، اما در جرم سیاسی انگیزه مرتکب ارتقاء منافع عمومی یا اعتراض به سیاست‌های دولت است. به‌گونه‌ای که در آن خشونت و سعی در براندازی قهرآمیز مشاهده نمی‌شود. در حالی که جرائم امنیتی، بیشتر مربوط به تهدیدات گسترده و سازمان‌یافته علیه حاکمیت و استقلال نظام بوده و غالباً با خشونت همراه هستند. به‌طور کلی از آنچه بیان شد؛ می‌توان نتیجه گرفت که هیچ‌کدام از معیارهای مذکور برای تشخیص جرم سیاسی به‌تنهایی نمی‌تواند حدود مرز جرم سیاسی را از جرم امنیتی مشخص نمایند و نگاه تک‌ضابطه‌ای به این مقوله مردود است و باید ضوابطی چند با هم ترکیب شوند تا جرم سیاسی اثبات شود. استفاده از

معیارهای ترکیبی ذهنی و عینی و شیوه اقدام و زمان وقوع جرم برای فهم تشخیص جرم سیاسی از امنیتی کارساز است. در ملاک ضابطه ذهنی فلسفه و چرایی تفکیک جرم سیاسی از جرائم امنیتی، توجه به انگیزه مرتکبان آن است ولی مشکلات تعیین و اثبات انگیزه درونی مرتکب منجر به سوءاستفاده احتمالی از سوی حاکمیت و متهمان منجر می‌شود. بنابراین در خصوص راهکار سنجش ذهنی متهمان برخلاف ماده پنج قانون جرم سیاسی و همچنین بند دو بخشنامه قوه قضاییه در خصوص نحوه اجرای قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۹/۰۳/۱۳ (که دستیابی به انگیزه به قصد متهم از ارتکاب جرم را، به قاضی سپرده است) با توجه به لزوم حفظ دادرسی جرم سیاسی از اعمال نفوذ، بایستی احراز انگیزه را به قضاوت هیئت منصفه واگذار کرد تا با نقش مستقل خود بسیاری از ابهامات ناشی از اختلاف دیدگاه‌های موجود را در عمل بر طرف کرد؛ بنابراین انگیزه در جرم سیاسی برخلاف تمام جرائم دیگر نه فقط به عنوان جهات تخفیف مجازات، بلکه به عنوان اماره‌ای برای تشخیص مجرم سیاسی از مجرم امنیتی مورد توجه قرار گرفته شده است. در جهت تکمیل ضابطه ذهنی، ضابطه کیفیت وقوع جرم نیز بسیار کارآمد خواهد بود. معیارهایی مثل زمان وقوع جرم، اوضاع و احوال جامعه، برای تخفیف و یا تشدید مجازات، در جرائمی مثل سرقت حدی و جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور مؤثر است، اما در بحث جرم سیاسی عامل اوضاع و احوال می‌تواند اماره و قرآینی بر وقوع جرم سیاسی باشد (لری نژاد و منصوریان، ۱۴۰۱). با ملاحظه سه ماده اول قانون جرم سیاسی چنین برداشت می‌شود که قانون‌گذار برای تشخیص و احراز جرائم سیاسی در ظاهر امر، ترکیبی از ضابطه ذهنی و ضابطه عینی را به دلیل کاربرد عبارات «انگیزه اصلاح امور کشور» و «علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور» مدنظر دارد؛ اما با دقت در جرائم مصرح در ماده دو که بیانگر روش احصای در تشخیص جرائم سیاسی است، مشخص می‌شود قانون‌گذار در این زمینه دچار تشویش است، به گونه‌ای که ارائه روش ضابطه در کنار بیان استثنائات ضروری نیاز به ارائه روش احصای را منتفی می‌کند که خود روشی مستقل برای تشخیص جرائم سیاسی است (پزشکی و کلانتری، ۱۴۰۱).

۴-۱- مفهوم سیاست کیفری افتراقی

سیاست کیفری افتراقی به این معناست که نظام عدالت کیفری با گروه‌های مختلف به طور متفاوت برخورد می‌کند. این تفاوت می‌تواند بر اساس عوامل مختلفی مانند طبقه اجتماعی، جنسیت، سن، شغل و... باشد؛ به عبارت دیگر سیاست کیفری افتراقی به این واقعیت اشاره دارد که قوانین و رویه‌های عدالت کیفری در صورت اتخاذ سیاست‌های واحد ممکن است به طور ناخواسته منجر به نتایج ناعادلانه نسبت به برخی گروه‌ها و افراد شود. این نابرابری می‌تواند در مراحل مختلف سیستم عدالت کیفری از جمله نحوه احضار، تحقیقات مقدماتی، دادرسی، محکومیت و اجرای حکم رخ دهد. تنوع جرائم، بزهدکاران و بزه دیدگان از جهت گونه‌شناسی، ضرورت تنوع در راهبردها و پاسخ‌ها و به طور کلی تنوع در سیاست جنایی را نمایان ساخته است. بدین ترتیب از اواخر قرن بیستم افتراق، لایه‌بندی و یا طبقه‌بندی سازی در سیاست جنایی به عنوان راهبردی مؤثر در مبارزه با جرم، وارد مطالعات سیاست جنایی شده است (حسینی، ۱۴۰۱). حقوق کیفری در درون خود با پذیرش اقدامات ارفاقی و تعدیل‌کننده سعی نمود تا عدالت کیفری را با احسان و عطف نیز همراه سازد. از این رو در کنار تکیه بر پاسخ‌های کیفری سرکوب‌گر، به دلایل سیاسی، اجتماعی و حقوقی متعدد زمینه واکنش منعطف مدارانه را با مرتکبان این جرائم از طریق نهادها و تأسیسات حقوقی ارفاقی فراهم کرده است (آقایی و همکاران، ۱۳۹۹).

۱-۵- مبانی فقهی سیاست کیفری افتراقی در جرائم سیاسی

در سیاست جنایی افتراقی، تدابیر متفاوتی در قبال برخی از جرائم در مقایسه با جرائم عادی در نظر گرفته شده است. یکی از ادله‌ی مشروعیت افتراق در کیفر، توجه به شرایط خاص مجرم است. به همین دلیل کیفر ممکن است به جهت جایگاه مرتکب متفاوت باشد. آیات مربوط به همسران پیامبر اکرم (ص) از این قسم هستند. بر همین اساس قرآن کریم در خطاب به آن‌ها می‌فرماید: «چنانچه معصیت کنند، کیفرشان نیز دو برابر است». (احزاب - ۳۰) هم به سبب معصیت خدا و هم به جهت هتک حیثیت نبوت. سنت پیامبر اکرم (ص) در مواجهه با مجرمان سیاسی بر برخورد ارفاق آمیز بوده است. در قضیه جاسوسی «حاطب بن ابی» که خبر قصد فتح مکه توسط پیامبر (ص) را به واسطه زنی به قریش داد، آن حضرت پس از اطلاع از موضوع، او را مورد عفو قرار داد. در سیره امیرالمؤمنین علی (ع) نیز این سیاست ارفاقی دیده می‌شود.

به گونه‌ای که آن حضرت در جنگ جمل پس از پیروزی در جنگ و به اسارت گرفتن همسر پیامبر (ص) (که از مقتضیات جنگ آن زمان بود) و لکن آن حضرت با همسر پیامبر (ص) با احترام برخورد نمودند و با اینکه سردمداران جنگ جمل (طلحه و زبیر) کشته شدند، ولی با اعمال سیاست افتراقی عایشه به مدینه باز گردانیده شد (جوانمرد چپانه، ۱۳۹۰).

۱-۶- مبانی حقوقی سیاست کیفری افتراقی در جرائم سیاسی

یکی از مبانی حقوقی سیاست کیفری افتراقی، اصل قانونی بودن جرم و مجازات (موضوع اصل ۳۶ قانون اساسی و مواد ۲ و ۱۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) است که مبتنی بر آیات قرآنی (اسراء- ۱۵ و شعرا - ۲۰۸) و ریشه در قواعد فقهی «قبح عقاب بلا بیان» و «لا عقوبه الا بنص» دارد و بر این نکته تأکید دارد که هیچ رفتاری جرم نمی‌شود، مگر این که قانون آن را به صراحت جرم‌انگاری و مجازات آن را نیز مشخص کرده باشد. در خصوص جرائم سیاسی نیز رعایت این اصل باهدف تبیین دقیق رفتارهای سیاسی مجرمان و تعیین مجازات متناسب ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. یکی از نویسندگان حقوقی در پاسخ به این سؤال که علت برخورداری مجرمان سیاسی از ارفاقات مختلف در فرآیند دادرسی علی‌رغم وسعت صدمات در جرائم سیاسی نسبت به جرائم عادی می‌نویسد: «مجرم سیاسی برای دفاع از حق (ولو به شکل جهل مرکب) و آرمان‌های انسانی، مرتکب اعمالی می‌شود و این اقدام با عمل خائن یا جاسوسی که با تسلیم قسمتی از وطن یا تسلیم اطلاعات محرمانه وطن، در عمل لطمات جبران‌ناپذیری را متوجه وطن می‌سازد، فرق دارد» (ساریخانی، ۱۳۸۴).

یکی از شرایط تحقق جرائم سیاسی که می‌توان آن را به‌عنوان یک افتراق شاخص تلقی نمود، توجه به نیت و انگیزه مجرم است. در منابع فقهی نیت و انگیزه نقش مهمی را به‌عنوان یکی از ارکان جرم دارد. فقها میان جرائمی که با انگیزه خیرخواهانه یا انتقاد از حکومت اسلامی رخ می‌دهد با جرائم عمومی تفاوت قائل هستند (انصاری، ۱۴۰۷). قاعده فقهی «دفع افسد به فاسد» نیز اقتضا می‌کند، در شرایطی که رفتار مجرمانه منتقدان به مصلحت عامه نزدیک‌تر باشد تا تهدیدکننده آن، مجازات باید متفاوت و ملایم‌تر باشد (شهید اول، ۱۳۷۸). ماده یک قانون جرائم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ نیز بر اصل تفکیک جرائم سیاسی از جرائم عمومی تأکید دارد، آنجا که جرم سیاسی را از حیث انگیزه، موضوع و آثار اجتماعی از جرائم عمومی متمایز دانسته است. اصول ۲۴ و ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آزادی بیان و انتقاد را به رسمیت شناخته و تأکید دارند که واکنش کیفری به فعالیت سیاسی باید افتراقی و ملایم‌تر از جرائم عمومی باشد. مقررات بین‌المللی از قبیل اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و دیوان کیفر بین‌المللی ۱۹۹۸ برای اعمال مقررات افتراقی در خصوص جرائم سیاسی توصیه و تأکید دارند.

۲- سیاست کیفری جرائم سیاسی ایران؛ تحلیل وضعیت موجود

بررسی قوانین و مقررات مربوط به جرائم سیاسی در ایران یکی از موضوعات حساس و چالشی حقوق کیفری به شمار می‌رود. تا سال‌ها تعریف روشنی از جرم سیاسی وجود نداشت و این امر موجب ابهام در تعیین مصادیق و دادرسی قضایی می‌شد. در نهایت با تصویب قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ نخستین بار تعریف و ضوابط رسیدگی به این گونه جرائم به صورت قانونی تبیین شد. مطابق ماده یک این قانون جرم سیاسی عبارت است از: «هر فعل یا ترک فعلی که مطابق قوانین جزایی نسبت به اداره کشور و یا مأموران سیاسی به اعتبار مسئولیت آنان ارتکاب یابد، مشمول این قانون است، مشروط به اینکه انگیزه مرتکب اصلاح امور کشور باشد نه اخلال در نظام».

۱-۲- افتراقات اصلی جرم سیاسی بر اساس قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵

قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵، نقطه عطفی در تنظیم حقوق کیفری نسبت به جرائم سیاسی در جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. مهم‌ترین ویژگی‌ها و نوآوری‌های این قانون عبارت است از:

- تعریف قانونی جرم سیاسی که برای اولین بار در قوانین ایران، تعریف رسمی از جرم سیاسی ارائه شد.
 - احصای و ذکر مصادیق جرم سیاسی از دیگر ویژگی‌های این قانون است.
 - بیان استثنائات و حدود جرم سیاسی و تبیین جرائمی که از شمول جرائم سیاسی خارج شده‌اند (ماده سه).
 - تبیین نحوه رسیدگی و علنی بودن دادگاه و لزوم حضور هیئت منصفه در محاکم (ماده چهار)
 - تمیز جرائم سیاسی از جرائم امنیتی
 - تأکید بر اینکه اعمال و رفتارهای مجرمانه باید علیه اداره یا مقامات سیاسی کشور صورت گیرد و با انگیزه اصلاح امور عمومی باشد.
 - جرم سیاسی تلقی شدن؛ توهین به رؤسای سه قوه و مقامات سیاسی
 - برخورداری مرتکبان از امتیازاتی نظیر عدم انتقال به زندان، مناطق بد آب‌وهوا، ممنوعیت دستبند و پابند و جداسازی محل نگهداری
 - توجه قانون (جرم سیاسی) به ضابطه مختلط برای تشخیص جرم سیاسی.
- بدین توضیح که در مادی ماده یک قانون، با توجه به عبارات «انگیزه اصلاح امور کشور بدون قصد ضربه زدن به اصل نظام» مؤید تأیید نظریه ذهنی است؛ و در ماده دو نیز مقنن با توجه به ضابطه عینی یک دسته از جرائم را برشمرده و با تحقق شرایط مندرج در ماده یک جرم ارتكابی را جرم سیاسی می‌داند (لری نژاد و منصوریان، ۱۴۰۱).
- مواد چهار و پنج قانون نیز در مورد آیین دادرسی این جرائم است. ماده چهار قانون مذکور چنین اشعار می‌دارد: «نحوه رسیدگی به جرائم سیاسی و مقررات مربوط به هیئت منصفه مطابق قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است». همچنین ماده ۳۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد نحوه رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی بیان می‌دارد: «همه جرائم سیاسی و مطبوعاتی با رعایت ماده ۳۵۲ این قانون به طور علنی در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم با حضور هیئت منصفه رسیدگی می‌شود». مطابق ماده پنج قانون نیز تشخیص سیاسی بودن اتهام با دادرسی یا دادگاهی است که پرونده در آن مطرح است و در صورت حدوث اختلاف بین دادرسی و دادگاه در مورد سیاسی بودن یا نبودن رفتار، نظر دادگاه لازم‌الاتباع خواهد بود.
- از دیگر ویژگی‌های ممتاز جرم سیاسی مطابق قانون ۱۳۹۵ می‌توان به عدم اختیار شهروندان در برخورد با جرائم سیاسی، ممنوعیت کنترل ارتباطات مخابراتی موضوع مواد ۱۵۰ و ۳۰۲، تعدد و کیل مدافع موضوع مواد ۳۴۶ و ۳۸۵، ممنوعیت صدور کیفرخواست شفاهی، اختیار عدم حضور در جلسات دادگاه موضوع ماده ۳۵۰، ممنوعیت صدور قرار

جلب به دادرسی برای محاکمه موضوع ماده ۱۸۰، لزوم ضبط مکالمات جریان دادرسی در دادگاه موضوع ماده ۴۰۰، لزوم حضور دادستان یا نماینده وی در جلسه دادرسی، ممنوعیت استرداد مجرمان سیاسی، عدم انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادستان و دادیار، عدم امکان انتشار تصویر متهمان سیاسی، مجزا بودن محل نگهداری در مدت بازداشت و حبس از مجرمان عادی و سایر حقوقی که مطابق ماده شش قانون جرم سیاسی در مرحله اجرای حکم وجود دارد.

- مجازات اعدام در مورد مجرمین سیاسی اعمال نمی‌شود.
- زندانیان سیاسی مجبور به کار نمی‌شوند (قانون راجع به وادار نمودن مجرمان غیرسیاسی به کار مصوب ۱۳۴۱).
- ارتکاب جرم سیاسی از سال ۱۳۵۲ تاکنون سابقه کیفری برای محکومان علیه محسوب نمی‌شود (ماده ۲۶ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ اصلاحی ۱۳۵۲).
- اعاده حیثیت برای محکومان جرم سیاسی نسبت به مجرمین عادی قلیل‌المدت است (ماده ۵۸ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ اصلاحی ۱۳۵۲).

۲-۲- چالش‌های سیاست کیفری افتراقی جرائم سیاسی در ایران

۲-۲-۱- ابهام در تعریف جرم سیاسی

دولت‌ها معمولاً نگران سوءاستفاده از عنوان جرم سیاسی برای جرائم علیه امنیت هستند. قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ در ماده یک قانون تعریف محدودی از برخی جرائم (که غالباً انتقادی هستند) به عنوان جرائم سیاسی ارائه می‌دهد؛ اما بسیاری از رفتارهای سیاسی تحت عنوان جرائم امنیتی باقی می‌ماند. قانون جرم سیاسی برخلاف انتظار جامعه حقوقی، شمول بسیار محدودی بر مصادیق جرائم سیاسی دارد. بسیاری از جرائمی که در عرف سیاسی و اجتماعی به عنوان جرم سیاسی تلقی می‌شوند؛ ذیل عناوین امنیتی یا تبلیغ علیه نظام قرار می‌گیرند. در این قانون جرم سیاسی تعریف نشده است، ولی با قرار دادن معیارهایی و ذکر برخی مصادیق و شرایط، تلاش داشته نویسندگان حقوقی و البته محاکم را به تعریف قابل قبولی ارائه طریق کند. قانون‌گذار به صراحت افرادی را که قصد مقابله با اصل نظام را داشته و با اقدام‌های خود قصد تغییر نظام سیاسی فعلی با نظام دیگری داشته باشند را، مجرم سیاسی تلقی نکرده است. با این شرط، علاوه بر افرادی که مرتکب قیام مسلحانه در برابر نظام «بغی» بشوند، و مشمول مواد ۲۸۷ و ۲۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌شوند، حتی اگر این مقابله بدون بهره‌گیری از سلاح نیز باشد، از دایره شمول مجرم سیاسی خارج خواهد بود (کازمی و کیانی، ۱۴۰۰).

۲-۲-۲- دامنه محدود مصادیق جرم سیاسی

مطابق مواد یک و دو قانون جرم سیاسی تعداد کمی از جرائم در صورت دارا بودن شرایطی، جرم سیاسی محسوب می‌شوند. این دایره محدود، بخش عمده‌ای از رفتارهای معترضان و مشارکت‌های سیاسی را، از شمول قواعد افتراقی خارج می‌کند. قانون مذکور در رسالت اصلی خود که همان ارائه روش یا معیاری مشخص برای تشخیص جرائم سیاسی از جرائم غیرسیاسی است، دچار تشویش و سرگردانی بوده و به ارائه راهکارهایی برای رفع این چالش نیازمند است تا به کمک آن مصادیق بارز و واقعی جرم سیاسی را مشمول این قانون و بهره‌مند از رژیم ارفاقی آن نمود و از تضییق افراطی گستره جرائم سیاسی که در امتداد سیاست کیفری امنیت‌گرایانه اتخاذ شده، فاصله گرفت. موضع حساس و محتاط قانون‌گذار در تحدید حداکثری دایره جرائم سیاسی موجب شد که پذیرش این روش‌ها (ضابطه ذهنی و ضابطه عینی) در تشخیص جرائم سیاسی مطلق نباشد و مشروط به احراز شرایطی شده که اثبات آن برای متهم دشوار و توسعه و تفسیرپذیری شرایطی که اتهام و جرم ارتكابی را از شمول جرائم سیاسی خارج می‌کند، برای قاضی سهل

باشد؛ بنابراین شرایط ایجابی و سلبی تحمیلی به این روش‌ها و ضوابط، مغایر اصل «شفافیت و صراحت قانون» بوده و موجب تضییع حقوق متهم و مجرم سیاسی می‌شود (پزشکی و کلانتری، ۱۴۰۰).

۲-۲-۳- مبنای تشخیص هیئت منصفه

اعضای هیئت منصفه طبق ماده چهار قانون جرائم سیاسی از بین اقشار مختلف و به پیشنهاد نهادهایی مانند شورای اسلامی شهر و اصناف و هیئت‌های علمی دانشگاه‌ها و... و با تایید رییس قوه قضاییه انتخاب می‌شوند. این فرآیند انتخاب به استقلال و بی طرفی هیئت منصفه آسیب می‌زند و ممکن است افراد شایسته و واقعی جذب نشوند. هیئت منصفه برخلاف سیستم‌های حقوقی رایج دنیا (مانند فرانسه و انگلستان و...) رای نهایی صادر نمی‌کند و صرفاً نظر مشورتی اعلام می‌کند که مقام قضایی الزامی به تبعیت کامل از آن ندارد (نصیری، ۱۳۹۷).

در خصوص نحوه‌ی سازوکار و تصمیم‌گیری هیئت منصفه، قانون جرم سیاسی با ابهام مواجه است. چون در خصوص چگونگی رأی‌گیری و نصاب به صورت دقیق و شفاف تعیین تکلیف نشده است. و این موضوع می‌تواند سبب اختلاف در رویه و کاهش اعتبار این نهاد شود (نظری، ۱۳۹۸). و با توجه به اینکه اعضای هیئت منصفه آموزش‌های حقوقی منسجم را ندیده‌اند و به خاطر ناآشنایی با مفاهیم جرم سیاسی و اصول دادرسی ممکن است نتوانند نقش مؤثری را ایفا نمایند. طبق ماده نه قانون، هیئت منصفه باید سیاسی بودن جرم را احراز کند ولی درباره ماهیت و کیفیت صلاحیت هیئت منصفه و نحوه دخالت دادستان و قاضی ابهام وجود دارد.

۲-۲-۴- عدم شمول قانون به جرائم علیه امنیت ملی

جرائمی مانند اجتماع و تبانی علیه امنیت داخلی یا خارجی (موضوع ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵)، حتی اگر مرتکب انگیزه سیاسی داشته باشد، طبق بند ب ماده دو قانون جرم سیاسی از جمله‌ی جرائم سیاسی خارج شده و همین موضوع باعث تضییع سیاست افتراقی می‌شود. بسیاری از رفتارهای سیاسی مرز روشنی با جرائم امنیتی ندارند و در عمل بسیاری از اعتراضات و انتقادات سیاسی با تفسیر موسع نهادهای امنیتی و قضایی، به عنوان جرم امنیتی تلقی می‌شوند و اصل برائت رفتار سیاسی، خدشه‌دار می‌گردد. محروم ماندن متهمان امنیتی از امتیازات عدالت کیفری مندرج در قانون جرم سیاسی (همچون حضور هیئت منصفه دادرسی علنی و...) باعث می‌شود که افراد صرفاً به دلیل نوع اتهام از حقوق شهروندی و محاکمه عادلانه محروم شوند. ضمن اینکه استثنا شدن جرائم امنیتی می‌تواند به عنوان ابزاری در دست قدرت برای محدود کردن آزادی بیان و مشارکت سیاسی مشروع به کار رود. به گونه‌ای که هرگونه نقد یا فعالیت مخالف، به آسانی مصداق جرم امنیتی تلقی می‌شود و فضای مدنی و آزادی‌های اساسی را تضعیف می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۹۵). جدا نشدن جرائم سیاسی از جرائم امنیتی، عوامل اجرایی و امنیتی را به سوی برخورد سلبی و امنیتی با هر شکل اعتراض و انتقاد سیاسی سوق داده و فرهنگ امنیتی را بر سیاست حاکم می‌کند. در نتیجه دایره جرم علیه امنیت موسع‌تر می‌شود (نجفی ابرزی، ۱۳۹۸، ص ۵۰۵). هرچند انتظار از قانون‌گذار این نبود که از دیدگاه حداکثری پیروی کرده و جرائم علیه امنیت را که مشخصه بارز آن خشونت، جنگ‌افروزی، غارت و کشتار مردم است؛ حتی تا با احراز انگیزه‌های سیاسی در زمره جرائم سیاسی قرار دهد، ولی انتظار می‌رفت که با اتخاذ رویکردی میانه بر اساس دیدگاه حداقلی، جرائم علیه نظام سیاسی را که بدون خشونت و با احراز ضوابط و شرایط متعادل قانونی، شائبه سیاسی بودن آن‌ها مورد تردید نیست، مشمول عنوان جرم سیاسی و بهره‌مند از رژیم ارفاقی آن می‌کرد (پزشکی و کلانتری، ۱۴۰۰).

۲-۲-۵- نارسایی در پیش‌بینی ضمانت اجرای افتراقی

منظور از ضمانت اجرایی افتراقی، پیش‌بینی مجازات یا تدابیری متفاوت و خفیف‌تر یا با شیوه اجرای خاص برای مرتکبان جرائم سیاسی نسبت به جرائم عادی است. فلسفه این موضوع ناشی از ماهیت ویژه جرم سیاسی، انگیزه شرافتمندانه و نقش انتقادی سیاسیون در حیات اجتماعی است. قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ مجازات خاص و متفاوتی برای جرائم سیاسی مقرر نکرده و صرفاً بر اجرای همان مجازات قیدشده در قوانین عمومی مانند قانون مجازات اسلامی اکتفا نموده است. در ماده چهار قانون، فقط مواردی مانند معافیت از مجازات تعزیری و تکمیلی، عدم انتقال به زندان‌های عمومی و ممنوعیت پوشیدن لباس زندان برای متهم جرم سیاسی ذکر شده است؛ اما هیچ ماده‌ای در رابطه با کاهش یا تعدیل مجازات اصلی تقریر نیافته است. گرچه قانون برخی تمایزات آیین دادرسی (مانند حضور هیئت منصفه و علنی بودن) را مقرر کرده ولی این موارد بیشتر جنبه نمادین و شکلی داشته و تأثیری در سنگین یا سبک شدن مجازات ندارد. همچنین اجرای همین مزایا نیز در عمل با چالش‌های عدیده‌ای مواجه است. اشکالی که می‌توان گرفت محدودیت و تنزل عناوین جرم‌انگاری سیاسی، به توهین و افترا و نشر اکاذیب با مبنای جرم سیاسی (که حمایت از مجرم سیاسی است)، همخوانی ندارد. جرم سیاسی مفهومی انتزاعی است و احتمال اینکه جرم سیاسی همیشه به صورت توهین، افترا و نشر اکاذیب اتفاق نیفتد، وجود دارد (لری‌نژاد و منصوریان، ۱۴۰۱). بند ۳ ماده دو قانون جرم سیاسی، مطلق نشر اکاذیب را جرم سیاسی تلقی نموده، درحالی که مطابق ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نشر اکاذیب در صورتی که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور شود، از مصادیق افساد فی‌الارض محسوب می‌شود و افزون بر آن که، از حدود خواهد بود، از جرائم امنیتی نیز محسوب می‌گردد که نباید آن را در زمره جرائم سیاسی قرار داد و با بند اول ماده ۳ قانون جرم سیاسی نیز منافات دارد. بنابراین لازم است با قیدی که ذکر شد، مقید گردد (مرکز فقهی حقوقی قوه قضاییه، ۱۴۰۰). برخلاف تصریح بندهای الف و ب و ث مبنی بر بهره‌مندی محکومان و مجرمین سیاسی از ارفاق مقرر در بندهای موصوف در ایام حبس و بازداشت (تحت قرار) و لکن در بندهای ج و چ صرفاً لفظ حبس را استعمال نموده است. و این در حالی است که غالباً لفظ حبس به‌عنوان یک مجازات معین در دادنامه لحاظ می‌گردد و بازداشت ممکن است به‌طور موقت در قالب صدور قرارهای تأمین انجام گردد و بازداشت موقت نیز یکی از قرارهای تأمین می‌باشد و ممکن است متهم به علت عجز از معرفی کفیل یا عدم تودیع وثیقه یا صدور قرار بازداشت موقت در بازداشت باشد؛ و به‌حسب ظاهر، مستفاد از بندهای ج و چ، متهم سیاسی حق ملاقات و حق دسترسی به کتب و نشریات به‌عنوان یک امتیاز ارفاقی مجرم و متهم سیاسی را ندارد (رضا اوغلی و همکاران، ۱۳۹۹). قانون جرم سیاسی اگرچه مواردی مانند لزوم محاکمه علنی با حضور هیئت منصفه را پیش‌بینی کرده است، اما بسیاری از امتیازات افتراقی (مثلاً منع توقیف در انفرادی یا وجود وکیل اختصاصی و...) تضمین اجرایی قوی ندارند یا با آیین دادرسی کیفری تضاد پیدا می‌کنند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵).

۲-۲-۶- ابهام در انگیزه و نیت مرتکب

ابهام در شرایط انگیزه و نیت مرتکب در جرم سیاسی نه تنها از مهم‌ترین چالش‌ها و ایرادات قانون جرم سیاسی تلقی می‌گردد، بلکه باعث سردرگمی مقامات قضایی و تفسیرکنندگان قانون نیز می‌شود؛ و حتی در مقام اجرا، برخوردهای ناهماهنگی با متهمان سیاسی را در پی داشته است. مطابق ماده یک قانون جرم سیاسی ۱۳۹۵ جرم سیاسی عبارت است از؛ هر رفتاری که با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت یا نهادها یا سیاست‌های کلی نظام ارتکاب یابد، بدون آنکه قصد ضربه زدن به اصل نظام جمهوری اسلامی ایران باشد. قانون‌گذار تنها به ذکر «انگیزه اصلاح امور» اکتفا کرده است، اما هیچ معیار عینی برای تشخیص این انگیزه و تفکیک آن از اغراض شخصی، انتفاعی یا خصومت‌آمیز ارائه

نداده است. یکی از حقوق دانان در این خصوص می‌نویسد: «ابهام در تعیین ملاک و نحوه احراز انگیزه و نیت مرتکب، از مهم‌ترین ایرادات جرم سیاسی محسوب می‌شود. زیرا مرز دقیق میان انگیزه اصلاح امور (سیاسی) و سایر انگیزه‌ها نامعلوم است» (گلدوزیان، ۱۳۹۵).

طبق ماده یک قانون، «انگیزه اصلاح امور کشور» باید احراز شود؛ اما اثبات و تفسیر انگیزه در مقام عمل بسیار دشوار و محل اختلاف است. با این سطح از ابهام، تشخیص یا عدم تشخیص انگیزه سیاسی به افراد و دیدگاه قضات واگذار شده و وحدت رویه شکل نمی‌گیرد. در نتیجه رفتار مشابه ممکن است نزد مراجع مختلف یک‌بار سیاسی و بار دیگر غیرسیاسی تلقی شود. یکی از نویسندگان، با اشاره به همین مسئله معتقد است: «تکیه صرف بر انگیزه و عدم تعریف دقیق آن زمینه صدور آراء متناقض و ایجاد ناامنی و حقوقی را فراهم می‌سازد.» (نجفی ابرزی، ۱۴۰۱). ابهام در انگیزه با اصول بنیادی حقوق کیفری از جمله اصل قانونی بودن، اصل شفافیت در تعارض است. چون افراد (اعم از متهم، وکیل، قاضی و ...) نمی‌توانند معیار معینی برای وصف سیاسی و غیرسیاسی جرم تصور کنند. تکیه قانون ایران به عنصر ذهنیت گرا را می‌توان در این ماده ملاحظه کرد. این در حالی است که، اگر در مقام دادرسی این معیار مورد توجه قرار گیرد، قبول داعی و انگیزه بی‌غرضانه برای مجرمین سیاسی در غالب موارد مشکل می‌باشد؛ چه آنکه عده‌ای از روی حس انتقام‌جویی و جاه‌طلبی و ... خود را مصلح و در پی سعادت جامعه معرفی می‌کنند. افزون بر این، تشخیص ذهنیت متهم و انگیزه خوانی متهمان سیاسی به سختی صورت می‌گیرد و ممکن است احراز این انگیزه توسط قاضی صادرکننده منجر به رویه‌های متشتت و متناقض شود و همین عامل، (احراز انگیزه متهم با سلیقه قاضی) تفکیک جرم سیاسی از امنیتی را مشکل و آسیب‌های موجود را دوچندان می‌کند (لری نژاد و منصوریان، ۱۴۰۱). همچنین شرایط ایجابی و سلبی تحمیلی به روش‌های تشخیص جرم سیاسی در ماده یک با عبارات تفسیرپذیر مانند «عدم قصد ضربه زدن به اصل نظام» بر ابهام و تشویش موضع قانون‌گذار افزوده و نشان می‌دهد، قانون‌گذار از ارائه روش و معیاری مشخص برای تشخیص مصادیق جرائم سیاسی که رسالت اصلی مورد انتظار از تصویب قانون مزبور است، عاجز مانده است. این رویکرد، نشئت گرفته از سیاست کیفری سخت‌گیرانه و امنیت‌مدار مقنن در خصوص جرائم علیه نظام سیاسی و جرائم علیه امنیت و پایداری به سنت همسان‌انگاری این دو گروه از جرائم است (پزشکی و کلاتری، ۱۴۰۰).

۳- راه‌های توسعه سیاست کیفری افتراقی جرائم سیاسی

۳-۱- اصلاح قوانین مربوط به جرائم سیاسی

سیاست کیفری افتراقی به معنای تعیین تدابیر و واکنش‌های متفاوتی نسبت به یک نوع خاص از جرایم سیاسی، با توجه به ویژگی‌ها و اهداف این جرائم تعیین و تبیین می‌شود.

در راستای توسعه این سیاست در ایران راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

- شفاف‌سازی مفهوم و مصادیق جرم سیاسی

ابهام و پراکندگی در تعریف جرم سیاسی موضوع ماده دو قانون، موجب سردرگمی دادگاه‌ها و تضییع حقوق متهمان می‌شود. تعریف شفاف، از تعمیم بی‌ضابطه جلوگیری و امکان اجرای افتراقات را فراهم می‌کند (نجفی ابرزی، ۱۳۹۸).

- گسترش دامنه شمول قانون به جرائم مرتبط با امنیت

استثناء صریح جرائم امنیتی در ماده دو قانون، مانع اعمال افتراقات حقوقی بر بسیاری از متهمان سیاسی واقعی می‌شود. با گسترش دامنه، حمایت‌های قانونی برای طیف بیشتری برقرار می‌گردد (نادری، ۱۳۹۷). به نظر می‌رسد بهتر بود که؛ مقنن زمینه را برای نگاه تجمیعی به معیارهایی چون کیفیت وقوع جرم و شرایط و اوضاع و احوال جرم را نیز

فراهم سازد. تکیه دادرسان در پرونده‌های موجود بر معیار ذهنی می‌تواند مرز جرم سیاسی از جرم امنیتی را انتزاعی‌تر و نامشخص‌تر نماید و از سویی واگذاری تشخیص ذهنیت و قصد در اقدامات انجام‌شده توسط هیئت‌منصفه می‌تواند این معیار را نیز برای تشخیص جرم سیاسی از امنیتی کارآمد و قابل‌اتکا سازد (لری‌نژاد و منصوریان، ۱۴۰۱).

- اصلاح و شفاف‌سازی نقش هیئت‌منصفه

شفاف‌سازی و اصلاح نقش هیئت‌منصفه از مهم‌ترین محورهای توسعه سیاست کیفری افتراقی در قبال جرائم سیاسی است. قانون اساسی در اصل ۱۶۸ به این مهم ناکید دارد که؛ جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی و با حضور هیئت‌منصفه در دادگاه‌های دادگستری صورت می‌گیرد؛ اما قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ و آیین دادرسی فعلی، نقش هیئت‌منصفه را عمدتاً تشریفاتی، مشاوره‌ای و بدون ضمانت اجرایی تعیین کرده است. این در حالی است که رویکرد افتراقی اقتضاء می‌کند، هیئت‌منصفه قدرت و صلاحیت واقعی تأثیرگذار در نتیجه دادرسی داشته باشد. (نجفی ابرزی، ۱۳۹۸) ابهام در معیار انتخاب و صلاحیت هیئت‌منصفه نیز از دیگر مواردی است که نیاز به اصلاح و بازنگری دارد. اعضای هیئت‌منصفه در عمل توسط نهادی وابسته به دولت تعیین و معیار شایستگی و استقلال و بی‌طرفی و نمایندگی از طیف‌های فکری، به‌درستی رعایت نمی‌شود و این مسئله می‌تواند به تضعیف اعتماد عمومی و کاهش و کارآمدی سیاست افتراقی جرائم سیاسی منجر شود (گلدوزیان، ۱۳۹۷). در بسیاری از کشورها مانند فرانسه و بلژیک رأی هیئت‌منصفه در صدور حکم نهایی تعیین‌کننده است. اما در ایران رأی هیئت‌منصفه صرفاً مشورتی است و دادگاه الزامی به پیروی ندارد (کدخدایی، ۱۳۹۰). به نظر می‌رسد، اعضای هیئت‌منصفه باید از جریان‌های متنوع فکری اجتماعی و بدون وابستگی سیاسی یا شغلی گزینش شوند. همچنین آموزش مستمر در حوزه حقوق و عدالت سیاسی دریافت کرده باشند.

شورای نگهبان در نظریات پیشین خود (نظریه تفسیری به شماره ۲۹۴۸۰ مورخ ۲۶/۱۱/۱۳۷۸) انتخاب اعضای هیئت‌منصفه را از امور اجرایی قوه قضاییه و اختیارات رئیس این قوه می‌دانست و حضور وزیر ارشاد و مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و سایر مقامات را در هیئت‌گزینش مغایر با اصول قانون اساسی، به‌ویژه اصل ۱۵۷ قانون اساسی تشخیص داده بود ولی با توجه به مقررات فعلی، انتخاب اعضای هیئت‌منصفه جرائم سیاسی با وزیر ارشاد و مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان می‌باشد. چرا که تبصره ماده چهار قانون جرم سیاسی مقررات مربوط به هیئت‌منصفه را مطابق قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دانسته است. وقتی به قانون آیین دادرسی کیفری مراجعه می‌شود، تبصره ماده ۳۰۵ احکام و ترتیبات هیئت‌منصفه را به قانون مطبوعات احاله داده است. با مراجعه به قانون مطبوعات و به‌ویژه ماده ۳۶ این قانون درمی‌یابیم که انتخاب اعضای هیئت‌منصفه مطبوعات به عهده جمعی از مقامات اجرایی کشور نهاده شده که هر دو سال یک‌بار به دعوت و با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (و در مراکز استان‌ها، به دعوت و با حضور مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی) گرد هم می‌آیند و تعدادی را باهم به‌عنوان اعضای هیئت‌منصفه انتخاب می‌کنند. صرف‌نظر از اینکه هیئت‌منصفه سیاسی بودن یا نبودن رفتار مرتکب را از جرائم عادی می‌تواند تشخیص بدهد یا خیر؟ مشخص نیست حضورش در دادرسی محکمه قضایی چگونه توجیه می‌شود؟! لذا با توجه به فلسفه‌ی وجودی هیئت‌منصفه که به‌عنوان نماینده وجدان عمومی مردم تلقی می‌شود و عملکرد و حضورش در فرآیند دادرسی و اظهارنظر وی جنبه قضایی دارد، باید استقلال و بی‌طرفی آن نیز تضمین گردد؛ و شایسته است که ساختار آن نیز - زیر نظر قوه قضاییه - به‌عنوان ضامن دادرسی عادلانه باشد. ضمن اینکه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحت قوه مجریه است و واگذاری این اختیار به دولت، ممکن است منجر به مداخلات سیاسی و تضعیف استقلال مرجع قضایی گردد که خلاف هدف قانون‌گذار، (که هدفش دادرسی عادلانه و غیر جانب‌دارانه برای جرائم سیاسی و مطبوعاتی است) می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌شود؛ انتخاب اعضای هیئت‌منصفه صرفاً توسط نهاد مستقل در قوه

قضایه (مثلاً شورای عالی قضایی استان) با معیارهای شفاف و غیرسیاسی صورت گیرد. البته در این مسیر می‌توان از پیشنهاد گزینش و معرفی اولیه از میان اصناف، اساتید و اصحاب فرهنگ و رسانه با تأیید نهایی قوه قضایه بهره جست. قانون‌گذار باید شرایط و ضوابط علمی، تعهد و شایستگی اعضای هیئت منصفه را به تفصیل مشخص نماید تا استقلال و کارآمدی آن نیز تضمین شود (رضایی‌نژاد، ۱۳۸۷). به نظری رسد هیئت منصفه در شرایط فعلی و در رویه عملی محاکم، نقش مشورتی و تشریفاتی دارد و ضرورت دارد تا استقلال، تخصص و ضمانت اجرای آرای آن تضمین گردد تا افتراق دادرسی سیاسی واقعی و عینی گردد.

۳-۲- تعیین ضمانت اجرای افتراقی مشخص

یکی از نکات جالبی که در قانون جرم سیاسی به آن اشاره شده است، طرح ایراد از سوی متهم نسبت به صلاحیت دادگاه است. امری که بیشتر در دادرسی‌های مدنی کاربرد دارد، چراکه در دادرسی‌های کیفری دادسرا مرجع صالح برای ارجاع پرونده را تعیین می‌نماید. در این خصوص ماده پنج قانون جرم سیاسی مقرر می‌دارد: «تشخیص سیاسی بودن اتهام با دادسرا یا دادگاه است که پرونده در آن مطرح است». در ادامه این ماده، قانون جرم سیاسی مقرر می‌دارد: «متهم می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی در دادسرا و تا پایان جلسه اول دادرسی در دادگاه نسبت به غیرسیاسی بودن اتهام خود ایراد کند». در خصوص سازوکار این نوع ایراد تضمین مشخصی در قانون نشده است؛ زیرا در صورتی که دادسرا یا دادگاه در تشخیص خود دچار اشتباه شود و عمل مجرمانه ذیل مفهوم امنیتی تلقی شود، باید موضوع را تحت عنوان یک قرار به متهم ابلاغ کند و آن قرار قابل اعتراض در مرحله بالاتری باشد، و در حال حاضر چنین پیش‌بینی در قانون صورت نگرفته است (حاجیانی و همکاران، ۱۳۹۷). ضمن اینکه قانون در خصوص اعتراض متهم سیاسی به قرار رد ایراد صادره از سوی دادسرا یا دادگاه مهلتی را پیش‌بینی نکرده است و از این حیث فاقد ضمانت اجرایی است. مگر اینکه بر اساس یک قاعده کلی و با توجه به تبصره ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری مدت ده روز اعتراض را ملاک عمل قرار دهیم. نکته منفی در این زمینه، عدم پیش‌بینی امکان اعتراض به چنین قرار است، قراری که طرفین و جامعه را از یکی از حقوق مصرح در قانون اساسی محروم می‌سازد (خالقی، ۱۳۹۶).

موارد دیگری که تعیین ضمانت اجرای آن ضرورت دارد؛ تخفیف در مجازات، بازپروری اجتماعی (به‌جای مجازات حبس) ممنوعیت صدور برخی مجازات‌ها (مانند اعدام یا تبعید برای جرائم سیاسی) و استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس به‌صراحت در قانون پیش‌بینی شود. برخی از مواردی که به‌عنوان ارفاق در ماده شش قانون جرائم سیاسی ذکر شده است، نه تنها تخفیفی برای مجرمین سیاسی نیست، بلکه محدودیت جدیدی نیز بر آن‌ها تحمیل می‌کند. به‌عنوان مثال؛ حق ملاقات و مکاتبه با بستگان طبقه اول برای مجرمین سیاسی که در بند ج ماده شش مقرر یافته است و حال آنکه در آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۴۰۰/۳/۲۸ ملاقات پدر، مادر، برادر، خواهر، فرزندان و همسر برای همه متهمین و مجرمین پیش‌بینی شده است. در مورد غیرقابل استرداد بودن مجرمین سیاسی نیز که در بند ت ماده شش بیان شده است، باید گفت آنچه در قانون جرم سیاسی به‌عنوان غیرقابل استرداد بودن مجرمین سیاسی مورد اشاره قرار گرفته است، همان مفهوم مصطلح این امر در حقوق جزای بین‌الملل نیست، زیرا در حقوق جزای بین‌الملل کسانی که در کشور خود مرتکب جرم سیاسی شده‌اند و به کشور دیگر رفته‌اند را غیرقابل استرداد می‌داند. اما در قانون جرم سیاسی ۱۳۹۵ مجرمینی را که علیه کشور ایران مرتکب جرم سیاسی شده‌اند و محاکم ایران نسبت به جرم ارتكابی آن‌ها صالح به رسیدگی هستند را، غیرقابل استرداد می‌داند.

۳-۳- استثناء ناپذیری اصل رسیدگی علنی به جرائم سیاسی

قانون اساسی در رسیدگی به جرائم عمومی، اصل را بر علنی بودن آن قرار داده است، اگرچه استثنائاتی هم قائل شده است و در موارد مشخصی امکان برگزاری دادرسی به صورت علنی وجود ندارد؛ اما در جرائم سیاسی مطابق با اصل ۱۶۸ قانون اساسی این استثنائات وجود نداشته و محاکم ناگزیر از برگزاری تمام جلسات رسیدگی به صورت علنی و عدم ایجاد مانع برای حضور تماشاچی هستند. ولی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در این باره به شیوه دیگری برخورد شده و برخلاف صراحت بی‌قید و شرط قانون اساسی (اصل پیش گفته)، در خصوص لزوم رسیدگی علنی به جرائم سیاسی، در این قانون (مواد ۳۰۵ و ۳۵۲) تقریباً همان اصل و استثنائات رسیدگی علنی در جرائم دیگر، در خصوص جرائم سیاسی نیز اعمال و تقنین یافته است. غافل از اینکه اگر مجلس خبرگان قانون اساسی چنین نظری داشتند؛ هیچ‌گاه موضوع رسیدگی علنی به جرائم عمومی و سیاسی را در دو اصل جداگانه مطرح و از یکدیگر تفکیک نمی‌کردند. به نحوی که برای جرائم عمومی، اصل رسیدگی علنی را همراه با برخی استثنائات قرار داده، اما برای جرائم سیاسی این اصل را صرف نظر از هرگونه استثنا یا قیدی برقرار سازند؛ بنابراین ماده ۳۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری در راستای استثنای پذیردگی اصل رسیدگی علنی در جرائم سیاسی ولو هر مصلحت‌اندیشی یا مقاصد خیرخواهانه‌ای که در آن نهفته باشد، مخالف قانون اساسی بوده و به اصلاح و بازنگری نیازمند است (کاظمی و کیانی، ۱۴۰۲). به نظر می‌رسد بیان اصل علنی بودن محاکمات در دو موضع قانون اساسی، نشان از هدف مشخص تدوین‌کنندگان آن مبنی بر افتراق حاکم بر جرائم سیاسی دارد. علنی بودن رسیدگی به جرم مجرمان سیاسی امتیازی است که قانون اساسی به آن‌ها اعطا کرده است، و این مهم به هیچ شرطی، مقید نیست تا بی‌طرفی قاضی و صحت و سقم دادرسی در معرض پایش افکار عمومی قرار گیرد. مضاف بر این، آیین دادرسی کیفری تابع اصولی است که بر قواعد و مقررات آن حاکمیت دارند. اصولی که کلی، دائمی و الزام‌آور هستند، به گونه‌ای که بنیان برگزاری یک دادرسی صحیح و قانونی را تشکیل می‌دهند که از مهم‌ترین این اصول، علنی بودن دادرسی می‌باشد. لذا شایسته است، قانون‌گذار با راستای تحقق افتراق معنون، اقداماتی از جمله برگزاری محاکمه مجرمان سیاسی به صورت علنی و بدون استثنا قدم بردارد؛ و برای برون‌رفت از تعارض اصل ۱۶۸ قانون اساسی با مواد ۳۰۵ و ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده چهارم قانون جرم سیاسی در نظام فعلی، قضات باید در مقام اجرا، با توجه به سلسله‌مراتب قانونی، اصل ۱۶۸ قانون اساسی را بر سایر مواد قانونی مقدم دارند (سلیمی، ۱۳۹۹). با توجه به مراتب فوق، می‌توان به این نتیجه رسید که قانون‌گذار قانون اساسی نخواسته رسیدگی به جرائم سیاسی با هیچ عذر و بهانه‌ای به صورت غیرعلنی و به دور از نگاه تیزبین وجدان عمومی برگزار شود.

۳-۴- قانون آیین دادرسی کیفری جرائم سیاسی

همان‌گونه که در خصوص جرائم نیروهای مسلح و نیز اشخاص حقوقی آیین دادرسی مستقل تقنین یافته است، تقنین قانون آیین دادرسی برای جرائم سیاسی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ و پیش‌بینی مواردی از قبیل: اضافه نمودن جرم سیاسی به مصادیق ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۵ باهدف بهره‌مندی از پلیس ویژه جرائم سیاسی، انجام تحقیقات مقدماتی توسط ضابطان آموزش‌دیده، اتخاذ سیاست کیفری توسعه تفسیر مضیق و ممنوعیت تفسیر موسع نسبت به جرم سیاسی، علنی بودن مطلق دادرسی‌ها، تقلیل تضمینات بازداشت و ممنوعیت بازداشت موقت مگر در موارد خاص، پیش‌بینی مکان خاص و مجزی برای نگهداری متهمان سیاسی و... در قانون پیش‌گفته پیشنهاد می‌گردد (چون بند ب ماده ۳۳ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰/۰۲/۲۸ صرفاً در خصوص محکومان سیاسی تصریح به مکان مجزی نموده است).

نتیجه‌گیری

با بررسی سیر تطور قانون‌گذاری در حوزه جرائم سیاسی در ایران، مشخص می‌شود که سیاست افتراقی در برخورد با این دسته از جرائم، هم‌تراز با اسناد بین‌المللی و تجارب موفق کشورهای توسعه‌یافته نیست و در مقام اجرا با چالش‌های متعددی مواجه است؛ از جمله ابهام در تعریف جرم سیاسی، تحدید دامنه شمول مصادیق و ناکارآمدی سازوکارهای حمایتی نظیر هیئت منصفه مستقل. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که اعمال سیاست افتراقی واقعی در قبال جرائم سیاسی، از طریق اصلاح ساختار حقوقی و ترمیم خلأهای آیین دادرسی، ضروری است؛ این امر مستلزم بازنگری معیارهای گزینش هیئت منصفه، تضمین بی‌طرفی و استقلال آنان و ارتقاء آموزش حقوقی و سیاسی هیئت مذکور است. علاوه بر این، سیاست تقنینی باید در عین افتراق میان جرائم سیاسی و امنیتی، کرامت انسانی و آزادی‌های اساسی را محور قرار دهد تا از سیاسی شدن دعوای جزایی جلوگیری شود و اعتماد عمومی به عدالت کیفری تقویت گردد. پژوهش حاضر نشان می‌دهد سیاست جنایی افتراقی، بدون تقویت نهادهای دادرسی و بازتعریف جرم سیاسی، به توفیق عملی نخواهد رسید.

به‌طور کلی، توسعه سیاست افتراقی جرائم سیاسی در ایران نیازمند تدقیق مفاهیم، تقویت مشارکت مردمی از طریق نهادهای مدنی و تطبیق با تجارب جهانی است. پیشنهاد می‌گردد قانون‌گذار با بهره‌گیری از مطالعات تطبیقی و پژوهش‌های انتقادی، سیاست جنایی هوشمندانه و کارآمدی را جهت کاهش تنش‌ها و تضمین عدالت کیفری و توسعه افتراقات جرائم سیاسی اتخاذ کند. یکی از مهم‌ترین اقدامات تقنینی اصلاح ماهوی قانون جرم سیاسی با هدف ۱- توسعه معاذیر قانونی و تخفیف مجازات و تعلیق اجرای حکم و مجازات‌های جایگزین حبس ۲- حذف مجازات شلاق و حبس‌های طولی‌المدت ۳- پیش‌بینی بازنگری و ۴- تعدیل مجازات‌ها هر پنج سال خواهد بود.

منابع

- آقایی، حسن، احمدپور، و اکبر، سلطانی، عباسعلی. (۱۳۹۹). مبانی فقهی رژیم ارفاقی مجرمان سیاسی. *فصلنامه فقه و اصول*، ۲۸-۹، (۳)۵۲.
- انصاری، مرتضی. (۱۴۰۷ق). مکاسب محرمة (جلد ۱). بیروت: احیاء التراث.
- پزشکی، علی، و کلانتری، کیومرث. (۱۴۰۱). چالش تشخیص جرائم سیاسی در قانون جرم سیاسی، با نگاهی به علت‌ها و آسیب‌ها. *فصلنامه مجلس و راهبرد*، ۱۱۲، ۳۵-۶۰.
- جوانمرد چپانه، مهین. (۱۳۹۰). *بررسی فقهی و حقوقی جرم سیاسی* (چاپ اول). تهران: فرهنگ‌شناسی.
- حاجیان، مسعود، حسنی، محمدحسن، و رضوی، سید مرتضی. (۱۳۹۷). آیین دادرسی افتراقی جرائم سیاسی در نظام حقوقی ایران. *فصلنامه تخصصی حقوق علم و وکالت*، ۲۱، ۵۵-۸۰.
- حسینی، محمد. (۱۴۰۱). سیاست کیفری افتراقی از منظر قرآن کریم. *قرآن، فقه و حقوق اسلامی*، ۸(۱۶)، ۲۷-۵۳.
- خالقی، علی. (۱۳۹۶). *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری* (چاپ نهم). تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- رحمانی، قدرت‌الله. (۱۳۹۵). جرم سیاسی؛ الزام غیرمصلحت‌گرایانه قانون اساسی. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۴(۴)، ۹۲۹-۹۵۵.
- رضاوغلی، سمیه، و همکاران. (۱۳۹۹). جرائم سیاسی و مصادیق آن در حقوق ایران و موازین بین‌المللی. *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۱۲، ۳۰۶۴-۳۰۷۰.
- رضایی‌نژاد، سید کاظم. (۱۳۸۷). بازاندیشی در سیاست جنایی جرم سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *پژوهش‌نامه حقوق عمومی*، ۷، ۸۱-۱۰۱.

- زندیان، نهال. (۱۳۹۸). بررسی جرم سیاسی در ایران با تأکید بر قانون مصوب ۱۳۹۵. *فصلنامه علمی حقوقی قانون‌یار*، ۳(۹)، ۷-۳۰.
- ساریخانی، عادل. (۱۳۸۴). *جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی* (چاپ اول). قم: انتشارات دانشگاه قم.
- سلیمی، میررضا. (۱۳۹۹). واکاوی جرم سیاسی در پرتو مواد ۳۰۵ و ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصل ۱۶۸. *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ۴۱، ۲۴۳-۲۶۰.
- شاملو، باقر. (۱۳۹۸). *بی‌تعریفی جرم سیاسی و حقوق جزای اسلامی* (چاپ اول). تهران: امیرکبیر.
- شهید اول. (۱۴۰۳ق). *القواعد والفوائد* (جلد ۲). تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- عباسی‌فرد، محمدرضا. (۱۳۹۱). جرم سیاسی در فقه اسلامی. *فصلنامه راهبرد*، ۲۱(۶۵)، ۱۹۱-۲۱۰.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۵). *حقوق سیاسی و آزادی‌های عمومی* (چاپ اول). تهران: نشر میزان.
- کدخدایی، عباسعلی. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی نقش هیئت‌منصفه در ایران و فرانسه. *فصلنامه مجلس و راهبرد*، ۴۲.
- کرمی، داود، و کرامتی معز، هادی. (۱۳۹۵). قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ در بوته نقد. *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، ۱۲(۳۷)، ۲۰۵-۲۲۰.
- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۵). ایرادات قانون جرم سیاسی. *فصلنامه حقوق جزا*، ۲۳.
- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۷). سیاست کیفری ایران نسبت به جرم سیاسی. *فصلنامه حقوقی دادگستری*، ۴۷.
- لری‌نژاد، محمد، و منصوریان، مصطفی. (۱۴۰۱). پویایی در تمایز جرم سیاسی از جرم امنیتی: تحلیل پرونده‌های جرم سیاسی در ایران. *فصلنامه تمدن حقوقی*، ۵(۱۳)، ۵۳-۷۸.
- مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضائیه. (۱۴۰۰). نظریه ارشادی به شماره ۴۸۰/۸۱۹/۹۰۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۶/۱۶ با عنوان جایگاه جرم سیاسی در فقه و معیارهای تحقق آن، ۱-۳۹.
- مسافر، رضا. (۱۳۹۸). جرم سیاسی در حقوق عمومی و حقوق کیفری. *فصلنامه مطالعات حقوقی*، ۳۲، ۳۱-۳۸.
- میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۹۸). *جرم سیاسی در حقوق ایران* (چاپ چهارم). تهران: نشر میزان.
- نادری، محمد. (۱۳۹۷). بررسی سیاست افتراقی قانون‌گذار در جرم سیاسی. *فصلنامه مطالعات حقوقی سیاست جنایی*، ۸(۲۸)، ۳۷-۵۳.
- نجفی ابرزی، محمد. (۱۳۹۸). *حقوق جزای اختصاصی* (جلد دوم، چاپ دهم). تهران: میزان.
- نصیری، مهدی. (۱۳۹۷). بررسی هیئت‌منصفه در ایران و مقایسه با نظام‌های دیگر. *مجله پژوهش حقوق کیفری*، ۳۵، ۴۵-۶۱.
- نظری، هاشم. (۱۳۹۸). سازوکار رأی‌گیری هیئت‌منصفه در ایران و تطبیق با نظام‌های خارجی. *پژوهش حقوق کیفری*، ۳۹، ۲۳-۴۱.

استناد به این مقاله: کاظمی، سید سجاد، صادقی، علی، و صادق‌لو، اکبر. (۱۴۰۴). ضرورت توسعه سیاست کیفری افتراقی در جرائم سیاسی؛ چالش‌ها و راهکارها. *فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق*، ۵(۴)، ۲۲-۶.

